علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و یکم، شمارهٔ ۸۳ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۴۴-۱۵۹

خالقیت خداوند و روشهای اثبات آن در قرآن کریم با رویکرد نقد شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی *

محمد دانش مزرجی[۱] / حسن خرقانی[۲] / جواد ایروانی[۳]

چکیده: گزارشات تاریخی حاکی از آن است که مفهوم «ایمان و باور به خدا» در طول تاریخ با چالش‌های فراوانی از سوی جریان الحاد مواجه بوده است. امروزه نیز با توسعه وسایل ارتباطی، مخصوصاً فضای مجازی، هجوم به ایمان از سوی منکران خدا با شیوه‌های متفاوتی از قبل، صورت می‌گیرد. آتئیست‌ها یکی از گروه‌هایی هستند که با پخش شبهات در فضای مجازی هزاران نفر را با خود همراه و در صدد سست جلوه دادن پایه‌های خداباوری هستند. یکی از عرصه‌هایی که در فضای مجازی مورد هجمه آتئیست‌ها قرار گرفته است، مسأله خالقیت است. باور آتئیست بر آن است که جهان «خودزا» بوده و در این عصر، دانش تجربی توان تبیین علت به وجود آمدن آن را دارد و دیگر نیازی نیست در رابطه با چگونگی پیدایش جهان به خالقیت خدا توسل جوییم؛ نوشتار حاضر که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته است، با تبیین خالقیت خداوند و روشهای اثبات آن در قرآن کریم، از قبیل روش تفکر، استدلال، تمثیل، سوال و مقایسه به برخی شبهات آتئیستها در فضای مجازی پاسخ می‌گوید.

کلید واژه: قرآن کریم، خالقیت، شبهه، آتئیست، فضای مجازی.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامي رضوي، مشهد، ایران.
m. daneshmezerji@gmail. com

۲. دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول). kharaghani@Razavi. ac. ir

۳. استاد گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامي رضوي، مشهد، ایران. irvani-javad@yahoo. com

۱. مقدمه

رسالت قرآن کریم از همان آغازین روزهای عصر نزول، پاسخگویی دقیق به شبهات شبهه‌کنندگان بوده و هست. امروزه و در عصر ارتباطات نیز این کتاب الهی به عنوان کاملترین کتاب، می‌تواند فریادرس مبلغانی باشد که در فضای مجازی حضور دارند و در مسیر دفاع از حقیقت دین تلاش می‌کنند. امروزه فضای مجازی مملو از شبهاتی است که توسط منکران خدا که در نوشتار حاضر از آنها با عنوان «آتئیست» یاد می‌شود، منتشر می‌گردد. در این بین یکی از شبهاتی که دست‌آویز خداناباوران شده، موضوع «خودآفرینی جهان» و بی‌نیازی آن از «خداوند» است؛ چنان که دانشمندی مثل «هاوکینگ» در نگاشته خود مدعی است: «از آنجا که قانونی مانند گرانش وجود دارد، جهان می‌تواند خودش را از هیچ خلق کند» (هاوکینگ، ۱۳۹۰ش، ص ۲۹۶). این در حالی است که محور اصلی تمام ادیان الهی را باور به خداوند وآفرینندگی او تشکیل می‌دهد.

نوشتار حاضر بر آن است تا با تبیین خالقیت خداوند در قرآن و روشهای اثبات آن، دلائل و پاسخهایی را استکشاف و با استفاده از آنها به شبهات چندی از خداناباوران در فضای مجازی پرداخته و آنها را نقد نماید.

۲. پیشینه

ناگفته پیداست که رویارویی دو جریان باورمندان و خداناباوران قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد به همین خاطر آثار بسیاری با نگاه کلی و بعضاً تطبیقی در قالب کتاب و مقاله در نقد باور آتئیست‌ها نگاشته شده است از جمله: «بی پروایی در قلمرو فیزیک و فلسفه»، مهدی چهل تنی؛ «هاوکینگ در محضر خدا»، جان کارسون لنوکس، ترجمه ابوالفضل حقیری. نویسنده در این اثر، «هاوکینگ» و آنچه که دربارۀ وجود یا عدم وجود خدا استنتاج می‌کند را تحلیل کرده است.

در این زمینه مقاله‌هایی نیز سامان داده شده است؛ مانند: «توهم خدا یا توهم داوکینز»، فخرالدین طباطبائی، نشریه معرفت فلسفی، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۳۹۳. الحاد جدید، چیستی، بنیان‌ها، علی شهبازی و دیگران پژوهش‌نامه فلسفه دین دوره ۱۴ شماره ۲؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

جنبه نوآوری نگاشته حاضر، پرداختن به شبهاتی است که صرفاً به آنچه سابقاً در کتابهای آتئیستها مشاهده می‌شد، محدود نیست. آنها با تهیه کلیپ‌ها، کلیپ‌نوشته‌ها، ساخت موشن، به باور خداباوران هجوم می‌آورند. از جمله ویژگی این تولیدات محتوایی می‌توان به دروغ پردازی، شایعه پراکنی و سخنان اغواگرایانه اشاره کرد. همچنین این مقاله با رجوع به قرآن کریم روشهای پاسخ به این گونه شبهات را استخراج کرده است.

۳. چارچوب مفهومی مسأله

در این قسمت از نوشتار حاضر به واکاوی برخی از واژگان از جمله شبهه، آتئیست و فضای مجازی پرداخته می‌شود:

۳-۱. شبهه

«شبهه به معنای «مشابهت» است و بر چیزی اطلاق می‌شود که حق و باطل آن معلوم نباشد» (راغب، ۱۳۷۴ش، ج۲، ص۲۹۹) و در جایی به کار می‌رود که عدم تشخیص نسبت به حق و باطل صورت گیرد، و سبب اصلی این موضوع در ارائه و طرح باطل است، بنابراین «شبهه عبارت است از ارائه دلائل فاسد به منظور حق جلوه دادن باطل و بالعکس» (برنجکار، ۱۳۹۱، ص۱۹۰).

۳- ۲. آتئیست

«آتئیسم» به طرز تفکری اشاره می‌کند که وجود خداوند را انکار می‌کند، و «آتئیست» کسی است که باوری به خدا ندارد (فلو، ۱۹۹۶، ص۲۶؛ هیک، ۱۳۹۰، ص۲۳). این تفکر به بطلان کامل دین حکم می‌کند و آن را به عنوان یک امر واقعی تلقی نمی‌کند (جعفری، ۱۳۹۴، ص۲۳۴).

به باور نگارندگان هر چند جریان آتئیسم ریشه در گذشته دارد و مبانی فکری آنها همان مبانی آتئیست‌های تاریخ است، اما با دیدن فعالیتهای آنها در فضای مجازی می‌توان نتیجه گرفت که به جریانی توفنده علیه دین تبدیل شده‌اند.

۳-۳. فضای مجازی

اولین کسی که از واژه «فضای مجازی» (Cyberspace) استفاده کرد «ویلیام گیبسون» در سال ۱۹۸۲ بود (شاملی، ۱۳۹۶، ص۵). این واژه از کلمه یونانی «کوبرنتس»[1] به معنی «سکاندار» اقتباس شده و در تعریفی از فضای مجازی، ارتباط و کنترل را با هم لحاظ کرده است (وینر، ۱۳۷۲، ج۱، ص۲). کیزا فضای مجازی را محیطی برساخته از اطلاعات نامرئی تعریف می‌کند (kizza, 1998: 131)). او برای کمک به فهم مناسب از فضای سایبر، به تعریف اجزای این فضا از طریق اینترنت یا شبکه جهانی می‌پردازد (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲، ص۱۰).

۳-۴. خالقیت

اصل و ریشه «خلق» به معنای اندازه‌گیری و نظم در امور است و کلمه «خلق» به معنای ایجاد چیزی بدون سابقه قبلی است (راغب، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۹۶) و هر گاه در مورد خداوند استعمال شود به معنای آفرینش از عدم است (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۷۰/۲).

۴. خالقیت خداوند

آفرینش از صفات خداوند است، «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ» (حشر/۲۴) و خالقیت که گاهی از آن به توحید در افعال هم تعبیر می‌شود در اصطلاح فلاسفه به معنای این است که همه نظام‌ها و اسباب و مسبّبات، فعل و ناشی از اراده خداست (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج۲، ص۲۱۹-۲۱۶).

۴-۱. اثبات عقلی

در منابع کلامی برای توحید افعالی دلائل عقلی متعددی ارائه شده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۷۷):

الف. وابستگی تمام مخلوقات به علت هستی بخش

اصلی‌ترین دلیل بر توحید آفرینش این است که خداوند، علت هستی بخش است و تمام مخلوقات در وجود خود به او وابسته‌اند. اگر موجودات عالم مالک نفس خود بودند و تنها از یک جهت مستقل و بی‌نیاز از خداوند می‌شدند، به هیچ وجه هلاک نمی‌شدند؛

1. Cuberntas.

زیرا که محال است چیزی مالک نفس خویش باشد، اما برای خود بطلان و شقاوت را طلب کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۷، ص۳۰۰).

ب. نیاز ذاتی مخلوقات

اگر تمام آفرینش را به صورت یک معلول واحد در نظر بگیریم، مخلوقِ خداوند است، پس نظام آفرینش با تمام اجزاء خود توسط خداوند به وجود آمده و فاعل‌های متوسط، مستقل از او نیستند (همان، ج۷، ص۲۹۸). بنابراین از منظر عقل آنچه غیر از خداوند در هستی وجود دارد، یک حقیقت امکانی است که فاقد هر نوع کمال است.

۴-۲. اثبات نقلی

آیات بسیاری از قرآن کریم بر یگانگی خداوند در امر آفرینش اشاره دارد:

۱. «قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد/۱۶)؛ بگو خدا آفریدگار همه چیز است.

۲. «ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (غافر/۶۲)؛ آن خداوند پروردگار شما و آفریدگار هر چیز است.

آیات مذکور، بیانگر «توحید در خالقیّت» است، ولی نه بدین معنا که خداوند به صورت مستقیم، هر پدیده‌ای را بدون سبب پدید آورد، بلکه بدین معنا که جهان آفرینش، همه متّکی بر نظام علت و معلول است که همه آنها وابسته به خداوند است (سبحانی، ۱۳۸۱، ص۴۱-۴۲).

امام علی علیه‌السلام با اشاره به آفرینش مورچه، خداوند را یگانه آفریننده آن می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۳، ص۲۶).

۵. روشهای اثبات خالقیت خداوند در قرآن

قرآن کریم برای اثبات خالقیت خداوند به شیوه‌هایی اشاره می‌کند، از جمله تفکر، استدلال، تمثیل، مشاهده، سوال و مقایسه.

۵-۱. روش تفکر

اسلام بیش از هر آیینی انسان را به تفکر دعوت کرده است و از سویی قرآن کریم توجه ویژه‌ای به مقوله آفرینش دارد و آفریننده حقیقی تمام هستی را «الله» معرفی می‌کند و از

همه انسانها می‌خواهد در آفریش تمام هستی تأمل داشته باشند؛ بی‌شک تفکر روشمند، خالقیت خداوند را نتیجه می‌دهد:

۱. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ» (آل عمران/۱۹۰). این آیه اشاره به خلقت آسمانها و زمین دارد و می‌فرماید در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌های فراوانی برای صاحبان عقل وجود دارد و اینگونه انسانها را به تفکر در این خلقت بزرگ جلب می‌کند که همین دلیلی آشکار بر وجود یکتایی آفریدگار جهان است.

۲. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ... لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُون» (بقره/۱۶۴). در این آیه به شش بخش از آثار نظم در جهان هستی که هر کدام نشانه‌ای از یگانگی مبدء بزرگ است، اشاره شده که بندگان می‌توانند به سفارش همین آیه با روش «تفکر» به یگانگی خالق آن پی ببرند.

۵-۲. روش استدلال

یکی از روشهای رایج در آموزش معارف «استدلال» است. «استدلال، برآیند تفکر استنتاجی است که در آن، ذهن از چند گزاره‌ای که مسلّم گرفته است به یک نتیجه دست می‌یابد. بنابراین استدلال، گفتار یا نوشتاری است که برای اثبات مسأله‌ای ارائه می‌شود» (حیدری، ۱۳۹۳، ص۷۱) و قرآن از این روش بهره گرفته است:

۱. «لَوْ كانَ فيهِما آلِهَةٌ إِلاَّ اللَّهُ لَفَسَدَتا» (انبیاء/۲۲). اگر در آسمان و زمین، جز «اللّه» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند؛ یعنی اگر مبدأ آفرینش یگانه و یکتا نباشد و چند قدرت بر جهان حکومت کند، طبعاً از این همه هماهنگی خبری نبود» (سبحانی، ۱۳۸۱، ص۱۴۴).

۲. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكاءَكُمُ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ... فَهُمْ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْهُ» (فاطر/۴۰).

اگر بتها خالق بودند، قطعاً دلیلی بر خالقیت آنها دلالت می‌کرد، و این دلیل یا از ناحیه عالم بود و یا از ناحیه خدای سبحان، اما از ناحیه عالم، که می‌بینیم هیچ موجودی در عالم دلالت بر خالقیت بت‌ها و مخلوقیت خودش برای آنها ندارد، اما از ناحیه خدا، اگر دلیلی می‌بود، قطعاً در کتابی آسمانی که از ناحیه او نازل شده دیده می‌شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۷، ص۵۴-۵۳). بنابراین خالق اصیل، یکی بیش نیست و اگر مخلوقات او دست به تأثیر و آفرینش بزنند، پیوسته به اذن او صورت می‌گیرد (سبحانی، ۱۳۸۱، ص۴۲-۴۱).

۵-۳. روش تمثیل

در هر زباني به ويژه زبان قرآن، از «تمثيل» در جهت ادای مقصود استفاده شده است؛ زيرا گذشت زمان، مَثَل را شفاف مي‌سازد و قرآن از آن برای هدايت و مخصوصاً خالقيت خداوند بهره جسته است:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ... لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ» (حج/۷۳). تمثيل در اين آيه در مقام نفی خدايان مشركين و عدم دخالت آنها در آفرينش موجودات هستی است بطوری كه با اين تمثيل، آفرينش را چنان پيچيده معرفی می‌كند كه اگر تمام معبودهای مشركان فراهم آيند، يارای آفريدن كوچكترين چيز حتی به اندازه مگس را ندارند.

۵-۴. روش مشاهده

از آنجا كه قوای حسی ابزاری جهت دست‌يابی به شناخت است، خداوند به قوای حسی توجه ويژه‌ای نشان داده است؛: «سَنُرِيهِمْ آياتِنا فِي الْآفاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت/۵۳). انسان دارای حواس متعددی است اما نقش «ديدن» و «مشاهده» برای نظاره كردن آيات آفاقی و انفسی و تأمل در آفريننده اصيل آنها خيلی مهم است.

۵-۵. روش سوال و پرسش

پرسش، يكی از ارزشمندترين كليدهای ورود به خزانه دانش است و اصل دانش با سوال شروع می‌شود؛ چنان كه امام صادق علیه‌السلام می‌فرمايد: «بر اين دانش قفلی است كه كليد آن پرسش است» (كلينی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۴۱). قطعاً اگر سوال با رعايت تمام چارچوبها طرح شود می‌تواند نتيجه ارائه برهان را داشته باشد.

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ... لَيَقُولُنَّ اللَّه»، (عنكبوت/۶۱)؛ «و هرگاه از آنان بپرسی: «چه كسی آسمانها و زمين را آفريده؟... می‌گويند: «اللّه».

۵-۶. روش مقايسه

يكی از شيوه‌های پركاربرد در قرآن كريم روش مقايسه است به‌طوری كه قرآن برای تبيين مسائل اعتقادی مثل توحيد و شرك، فضيلتهای اخلاقی و رذيلت‌ها و علم و جهل از اين شيوه استفاده كرده است:

«أَ فَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لا يَخْلُقُ» (نحل/۱۷). «آیا کسی که می‌آفریند، همچون کسی است که نمی‌آفریند؟!» «این آیه صفات خدایی (آفرینش) را با صفات غیر خدا مقایسه کرده تا بفهماند که غیر او نمی‌تواند معبود باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۲، ص۲۱۹).

۶. شبهات

از آنجا که شماری از شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی پیرامون خالقیت خداوند است در اینجا با در نظر گرفتن مطالبی که در قسمت تبیین خالقیت و روشهای اثبات آن بیان شد به سه شبهه از آتئیستها پاسخ داده می‌شود:

۶-۱. قیاس خدا به جهان در نیاز به آفریننده

«اگر شما بتوانید یک خدای بدون خالق را توضیح دهید، پس شما باید بتوانید یک جهان بدون خالق را هم توضیح دهید» (https: //www.instagram.com/p/B98otLtIJsX/).

پاسخ و نقد شبهه:

این جمله هاوکینگ است. او که فیزیکدان نظری در دانشگاه کمبریج بود، رسماً خود را یک خداناباور معرفی می‌کند، جمله او از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول (اگر شما بتوانید یک خدای بدون خالق را توضیح دهید) مدعای اصلی باورمندان است که قائلند، «خداوند آفریننده همه چیز است و خود خالقی ندارد» (رعد/۱۶).

قائل شدن به این که «هر خالقی، آفریننده‌ای دارد»، جمله کاملی نیست، بلکه باید بگوییم: «هر معلولی نیازمند علتی است»؛ زیرا دو محذور برای عبارت «هر خالقی آفریننده‌ای دارد» لازم می‌آید، که از منظر عقل هر دو باطل است:

الف. وجود تسلسل: یعنی سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت ادامه پیدا کرده و به جایی ختم نشود. انسان به بداهت عقلی می‌فهمد که تسلسل باطل است.

ب. وجود دور: یعنی دلیل هر معلولی به چیزی برگردد که خود نیازمند علت بوده است. سلسله علت‌ها باید به جایی ختم شود که خود علت العلل هست؛ کسی که باورمندان به او «آفریننده» اطلاق می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج۲، ص۱۰۷).

در قسمت دوم هاوکینگ می‌گوید: «پس شما باید بتوانید یک جهان بدون خالق را هم توضیح دهید». تقریب استدلال: او در کتاب خود به نام «طرح بزرگ»[1] ادعا می‌کند که خداوند مقدس ادیان، جهان را نیافریده، بلکه آفرینش، محصول «انفجار بزرگ» که پیامد اجتناب ناپذیر قوانین فیزیک بوده و قانون گرانش را به مثابه عامل اصلی پیدایش جهان معرفی می‌کند و می‌گوید: «از آنجا که قانونی مانند گرانش وجود دارد، جهان می‌تواند خودش را از هیچ خلق کند» (هاوکینگ، ۱۳۹۰، ص۲۱۶). مهمترین نکاتی که به گمان وی نقش استدلال برای عدم حاجت به خدا در تبیین جهان را دارد به شرح زیر است: ۱. نفی آغاز زمانی جهان ۲. گرانش و خودآفرینی جهان ۳. منحصر به فرد نبودن جهان (شاکرین، ۱۳۹۶، ص ۴۲). در اینجا به نقد دومین مورد از نکات او می‌پردازیم:

«اگر اینگونه که هاوکینگ معتقد است وجود جاذبه و قوانین طبیعت برای پیدایش جهان کافی است، باز این سوال وجود دارد که چرا و چگونه جاذبه و قوانین طبیعت وجود دارند؟ چرا انرژی و دیگر اشیاء هستند؟ جاذبه و قوانین فیزیکی، عدمی و خلإ محض نبوده و باید قائم به چیزی باشند، پس آن چیست و آیا طرح و اراده خدایی در پدیدآیی آن وجود ندارد؟ یا آنها واجب الوجود بالذات‌اند و نامعلول؟ (شاکرین، ۱۳۹۶، ص۸). اینها سوالاتی است که هاوکینگ و طرفدارانش باید بدان پاسخ دهند.

از سویی بحث از وجود یا عدم وجود خداوند بحثی فلسفی و فراتر از تبیین‌های علمی است. علم پدیده‌های خاص و قوانین فروپایه را تا حدی بر حسب قوانین فراپایه تبیین می‌کند، ولی بنا به اقتضای ماهیتش نمی‌تواند قوانین فراپایه را تبیین کند (۱۹۷۹: ۱۳۹-۱۴۴ Swinburne).

هاوکینگ به عنوان یک اندیشمند علوم طبیعی تا زمانی که در محدوده علوم طبیعی و بیان روابط بین پدیده‌ها اظهار نظر می‌کند، سخنش دارای اعتبار است، اما او با معیار علوم طبیعی نمی‌تواند در مورد مبدأ اولیه جهان اظهار نظر کند؛ زیرا در این صورت وارد حیطه فلسفه شده است، پس سخن او با معیار فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد و عنوان

1. The Grand Design.

دانشمند علوم طبیعی نمی‌تواند ارزش فلسفی او را تأمین کند؛ زیرا وظیفه علوم و محدوده اظهار نظر اندیشمندان علوم طبیعی، روابط بین پدیده‌هاست اما این‌که مبدأ اولیه پیدایش پدیده‌ها چیست؟ آیا اشیا به خودی خود به‌وجود آمدند یا دارای علت هستند، یک بحث فلسفی است (حسن زاده آملی، ۱۴۰۰، ص۳۰۷).

از سویی در مورد پیدایش جهان ۵ نظریه (نظریه مهبانگ، حالت پایدار، جهان پلاسما، کهبانگ، لاپلاس) (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ص۹۷-۹۴) وجود دارد و نظریه بیگ‌بنگ یکی از ۵ نظریه است. حتی هاوکینگ از طرفداران انفجار بزرگ نیز در نگاشته خود به دو نظریه اشاره می‌کند (انبساط و انقباض) (هاوکینگ، ۱۳۷۵، ص۵۸).

«تنها چیزی که طبق نظریه «انفجار بزرگ» (بر فرض قبول آن) ثابت می‌شود این است که عالم ماده «حادث» بوده و این حدوث با «وجود خدا» منافات ندارد، چون خود این «انفجار» و «هسته اولیّه» نیاز به «علت» دارد. همان «ذره‌ای» که طبق این نظریه، این همه کهکشان از انفجار آن پدید آمده و با این نظم در حال حرکت هستند، هر چه باشد خود نیاز به خالقی دارد و همان خالقی که آن «ذره» را بوجود آورده، این نظم شگفت انگیز را بین ذراتی که از انفجار آن حاصل شده، قرار داده است (https: //makarem.ir)».

قرآن کریم نیز منشأ حقیقی تمام آفرینش را به خداوند نسبت می‌دهد و هر چیزی که اسم «شیء» بدان تعلق می‌گیرد را آفریده خدا معرفی می‌کند: «اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر/۶۲). طبق این آیات «خالقیت خداوند» در مجموعه هستی ثابت می‌شود؛ چون وقتی ثابت شد علت العلل یکی است، و همه چیز غیر از او ممکن الوجود است، پس خالق همه موجودات نیز یکی خواهد بود و از طریق روشهای متعددی که در نوشتار حاضر بدان پرداخته شد، اصل خلقت را به خداوند نسبت می‌دهد. یکی از این روشها سوال و پرسش است: «هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّه» (فاطر/۳). مخاطب در این آیه تمام انسانها هستند و هرکس در عقل و فطرت خود در می‌یابد که آفریننده‌ای جز خدا نیست (طوسی، بی‌تا، ج۸، ص۴۱۲).

۶-۲. شبهه ب: شغل خدا پیش از خلقت

خدا پیش از این خلقت مقدس مشغول چه کاری بود؟ آیا در تدارک دوزخ برای مردمی بود که

چنین پرسشهایی مطرح می‌کردند؟ (https: //www.instagram.com/p/CDlZSGPBOiB/)

نقد شبهه

نکته اول: یکی از مباحث مهم در دو دانش کلام و فلسفه مسأله حدوث و قدم عالم است، این مبحث برای اثبات محدِث و صانع عالم یعنی خداوند متعال طرح می‌شود. بدیهی است با روشن شدن مسأله حدوث و قدم عالم پاسخ شبهه آتئیست قابل حل خواهد بود.

غالب متکلّمان معتقدند که ملاک نیاز به علت، حدوث است و حدوث منحصر به حدوث زمانی است. اگر چیزی قدیم زمانی بود، دیگر نیازمند علت نیست، و چون همه عالم مخلوق خداست، پس همه عالم حادث زمانی است. اما به اعتقاد متکلمان معاصری که مشرب فلسفی دارند ملاک نیازمندی به علت، حدوث ذاتی است، پس ممکن است موجودی ممکن الوجود بوده و در عین حال قدیم زمانی باشد، و نیز ممکن است یک شیء قدیم زمانی بوده و در عین حال به سبب حدوث ذاتی‌اش نیازمند به علت باشد، همانند افلاک که هم قدیم زمانی‌اند و هم حادث ذاتی (مطهری، ۱۳۷۴، ج۵، ص۳۸۸).

بنابراین چون خداوند حقیقتی ازلی و موجد اصلی تمام مخلوقات بوده و از طرفی فیض او دائم است می‌توان نتیجه گرفت، در عین حال که خداوند علت آفرینش همه چیز است ولی مخلوقات او نیز قدیم زمانی‌اند. یعنی زمانی نبود که او آفرینش نداشته باشد و متصف به صفت خلق نباشد.

نکته دوم. معنای «پیش» در شبهه: آنچه از ظاهر این شبهه فهمیده می‌شود؛ این است که منظور از کلمه «پیش»، «پیش و قبل زمانی» باشد؛ که در این صورت، معنای سؤال این است که خداوند تعالی در زمانی که جهان را خلق نکرده بود، به چه کاری مشغول بوده است؟

برخی در مورد پیدایش زمان گفته‌اند: «طبق قانون نسبیت عام انیشتین، زمان با ماده و فضا ارتباط دارد، بنابراین زمان خودش با ماده و فضا آغاز شده است و بحث کردن در مورد زمان قبل از خلق کائنات کاملاً اشتباه است؛ زیرا زمان خود با کائنات متولد شده است. اما خدایی که ما از او حرف می‌زنیم خالق کائنات و از جمله زمان است، بنابراین خدا با

زمانی که خودش آن را آفریده، محدود نمی‌شود و در آن نمی‌گنجد (توکلی، ۱۳۹۸، ص۱۱). پس زمان با ماده و فضا ارتباط دارد و جدای از آنها نیست (مصطفوی، ۱۳۹۶، ص۱۱).

ملاصدرا ضمن تشریح مفهوم زمان و بیان تلازم بین آن و اجسام قائل است: «زمان مقدار حرکت است و حرکت از عالم اجسام است؛ زیرا: ۱. حرکت خروج از قوه به فعل است؛ ۲. زمان از لحاظ ماهیت مقدار حرکت است؛ ۳. حرکت و زمان هر دو موجودند و کسانی که آن‌را موهوم دانسته‌اند معنای وجود را ندانسته‌اند» (سجادی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۲۵۱).

بنابراین اصل شبهه آتئیست، دچار تناقض آشکار است؛ زیرا اگر حرکت و جسم وجود نداشته باشد، زمان معنا ندارد و در عالم متافیزیک، زمان به مفهومی که آتئیست مد نظر دارد، وجود ندارد و زمان و زمانیات مخصوص جهان مادی است. در نتیجه اصل پرسش آتئیست، اشتباه است؛ زیرا در پیشگاه خداوند، تغییر و تحول، زمان و حرکت بی‌معناست تا قبل و بعدی قابل تصور شود.

بنابراین وقتی زمان، مخصوص جهان مادی شد، عبارت «پیش از این خلقت مقدس»، به معنای زمانی آن صحیح نیست؛ اما می‌توان گفت که خداوند در مرتبه و نه در «زمان» پیش از آفرینش ماده و جهان مادی، مجرّدات را آفریده است؛ سپس نوبت به جهان ماده رسیده است؛ زیرا خداوند متعال، فیاض مطلق است و فیض او دائمی است و هرگز قطع نمی‌شود. علامه طباطبایی(ره) ضمن تقسیم کردن مخلوقات به دو دسته زمانی و غیرزمانی و اشاره به «خالقیت خداوند» قائل است: از آن جا که همه چیز مخلوق خداوند متعال است، او منبع فیض است و فیاض بودن از لوازم ذات اوست، پس نمی‌توان تصور کرد که خداوند موجود باشد ولی از فیض، عاری باشد. همچنین «زمان» از مخلوقات خداست و قبل از خلقت آن، زمانی وجود ندارد تا بگوییم در آن وقت خداوند مشغول چه کاری بوده است؛ در نتیجه این پرسش درباره قبل از خلقت عالم هستی، در صورتی درست است که قبل از آفرینش عالم هستی، «زمانی» باشد که خالی از عالم هستی باشد و عالم هستی آفریده نشده باشد، در حالی که چنین فرضی درست نیست پس طرح پرسش، نسبت به موجودات «غیر زمانی» به کلی منتفی است، و نسبت به موجودات «زمانی» با توجه به مطالب بالا، صحیح نیست» (طباطبایی، ۱۴۱۵، ص۱۵۹ و ۱۶۱ و ۳۲۴ و ۳۲۶)

با این بیان آنچه از ظاهر آیات و روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود، این است که خداوند همیشه مشغول انجام کاری (افاضه) بوده و هیچ زمانی وجود نداشت که خداوند بدون مخلوق باشد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳، ص۱۷۲). پس «فیاض» یکی از اوصاف خداوند است و چون اوصاف خداوند عین ذات اوست، بنابراین لازمه این صفت خداوند آن است که او پیوسته در حال فیض و عطا و ایجاد باشد؛ و چون قدرت خداوند نامحدود است؛ طبعاً فیض او هم نامتناهی خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج۴، ص۱۲۵۳).

۶-۳.شبهه ج:

آیا خدا جهان را ساخته است؟ هنگامی که به عمق اتم سفر می‌کنیم، پروتونهایی را می‌بینیم که هر وقت می‌خواهند، خود به خود به وجود می‌آیند و هر وقت بخواهند به خودی خود نابود می‌شوند، ما آن را «مکانیک کوانتوم» نام گذارده‌ایم، قوانین طبیعت به ما می‌گویند که نه تنها تمام جهان می‌تواند مثل پروتونها (از هیچ) به وجود بیاید، بلکه حتی برای پیدایش، نیازمند علت نیستند، همچنین هیچ حادثه‌ای منجر به انفجار بزرگ (بیگ بنگ) نشده است؛ هیچ چیز (بنابراین به نظر من هیچ خدایی جهان را خلق نکرده است) (https: //www.instagram.com/p/CXjqpHAM۰Wj/).

پاسخ و نقد شبهه

این نگرش توسط هاوکینگ مطرح شده است او قائل است اگر ما بتوانیم همه پدیده‌ها را تبیین کنیم؛ در این صورت نیازی به تبیین فاعلی نداریم، زیرا همین قانون می‌تواند جهان را ایجاد کرده و آن را اداره کند (هاوکینگ، ۱۳۹۰ش، ص۸).

هاوکینگ قائل است در کوانتوم، ذره می‌تواند از هیچ به وجود آید. در حالیکه این استدلال، کمی عوام فریبانه است، چرا که مفهوم «هیچ» در فیزیک با مفهوم آن در بین عوام، تفاوت دارد. در واقع، «هیچ» در بین عوام به معنای «عدم» است، در حالیکه «هیچ» در فیزیک، یک میدان است و به معنای عدم نیست. بنابراین، لازم است در مورد هر استدلالی چه در اثبات و چه در رد خدا کامل تحقیق کنیم و تنها به این دلیل که یک دانشمند مشهور آن را بیان می‌کند، قانع نشویم. (توکلی، ۱۳۹۸، ۱۱)

برخی از دانشمندان نه تنها فیزیک کوانتوم را مغایر خداباوری ندانسته‌اند، بلکه اساساً آن را دلیلی بر تقدیر الهی و مداخله غیبی در جهان ذرات قلمداد کرده‌اند» (همان).

دیویس فیزیکدان انگلیسی سوال قابل توجهی را از هاوکینگ می‌پرسد: آیا وجود جهان را می‌توان بی‌نیاز از خدا و تنها به وسیله علم توضیح داد؟ آیا می‌توان جهان را نظام بسته‌ای در نظر گرفت که علت وجودی‌اش در آن نهفته باشد؟ پاسخ این سوال به معنایی بستگی دارد که با آن توضیح می‌دهیم. با فرض قوانین فیزیک، جهان می‌تواند خودمدار باشد و از جمله خود را خلق کند اما قوانین فیزیک از کجا می‌آیند؟ و نیز تا وقتی که منشأ قوانین طبیعت خداست وجودی شگفت‌تر از ماده که آن را نیز خدا آفریده است، نیست، اما وقتی مبنای خدایی قوانین را کنار می‌نهیم، وجود آن‌ها به یک راز عمیق تبدیل می‌شود» (بارو، بی‌تا، ص۸۱).

«طبق نظر پروفسور اسپیتزر برای پاسخ به این سوال که آیا خداوندی جهان را خلق کرده است، باید قدم به قدم مراحل زیر را طی کنیم: ۱. هرچیزی که آغازی دارد، علتی دارد؛ ۲. کائنات، آغازی داشته است؛ ۳. بنابراین کائنات هم علتی دارد.

قدم اول همان قانون علت و معلول است که می‌گوید هر معلولی، علتی برای به وجود آمدن دارد، در غیر اینصورت ماده از هیچ به وجود آمده است که به هیچ وجه منطقی نیست. در گام دوم باید اثبات کنیم که جهان آغازی داشته است و برای اینکار از علم کمک می‌گیریم و در مرحله سوم فقط باید از مرحله‌های قبلی، نتیجه گیری کنیم» (مصطفوی، ۱۳۹۵، ۱۲).

۶. نتیجه گیری

۱. موضوع «خودآفرینی جهان» و بی‌نیازی آن از آفریننده یکی از شبهات مطرح در فضای مجازی است. با تمسک به خالقیت خداوند در قرآن کریم و روشهای اثبات آن می‌توان به شبهات آتئیستها در فضای مجازی پاسخ گفت و مبانی و دیدگاههای آنها را به چالش کشید.

۲. قرآن کریم با روشهای متعددی (تفکر، استدلال، تمثیل، مشاهده، سوال و مقایسه)

خالقیت خداوند را اثبات کرده که با استفاده از آنها می‌توان به شبهات آتئیستها پاسخ داد.

۳. تصور جهان بدون خالق، مغایر با استدلالهای عقلی است و عقل حکم می‌کند که ناگزیر باید تسلسل علل به جایی ختم شود که او قائم به ذات و بی نیاز از آفریننده است.

۴. جهان آفرینش، همه متّکی بر نظام علت و معلول و اسباب و مسبّبات است و گاهی برای تحقّق یافتن یك پدیده، اسباب متعدد و بی‌شماری لازم است، اما مجموع نظام علت‌ها و معلول‌ها وابسته به وجود خداوند بوده و لحظه‌ای از او بی‌نیاز نیستند.

۵. آنچه از ظاهر آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود، این است که خداوند همیشه مشغول انجام کاری بوده است و در نتیجه زمانی نبوده که او مشغول افاضه و آفرینش نباشد.

فهرست منابع

قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، قم، دفتر مطالعات تاریخ و ومعارف اسلامی.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۹۹هـ، **النهایه فی غریب الحدیث و الاثر**، بیروت، المکتبة العلمیة.

اصفهانی، راغب، ۱۳۷۴ش، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق، دارالقلم.

باقری دولت‌آبادی، علی و زارعیان جهرمی، فرج‌ا الله، ۱۳۹۲ش، **تاثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی**، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره۶۰.

برنجکار، رضا، ۱۳۹۱ش، **روش شناسی علم کلام**، قم، موسسه علمي فرهنگي دارالحديث.

توکلی، مهدی، زارعی، مجید، ۱۳۹۸ش، **فلسفه کوانتومی، راهی به ثبوت اصالت آگاهی، وجود خداوند و علم او به آینده**، همایش پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، **فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام**، دوره۲.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۹۴، **فلسفه دین(تدوین عبدالله نصری)**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۳ش، **دو رساله مثل و مثال**، تهران، نشرطوبی

حسن زاده آملی، حسن، **دروس معرفت نفس**، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۴۰۰ش.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۳۸۵ق، **تاج العروس في شرح القاموس**، بیروت، دارالهدایه.

حیدری، داوود، ۱۳۹۳ش، **منطق استدلال ـ منطق حملی**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۷ش، **عقاید استدلالی**، قم، هاجر.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۴ش، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، رشت، کتاب مبین.

سبحانی، جعفر، ۱۳۸۱ش، **جبر و اختیار**، قم، موسسه امام صادق علیه‌السلام.

سجادی، سید جعفر، ۱۳۸۷ش، **فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا**، تهران، طبع و نشر.

شاملی، علی اکبر، ۱۳۹۶ش، **آسیب‌ِهای فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی**، فصلنامه اخلاق، سال هفتم، شماره ۲۵.

شاکرین، حمیدرضا، **هاوکینگ و خدبسندگی جهان، بررسی و نقد**، نشریه کلام اسلامی، پاییز ۱۳۹۶ – شماره ۱۰۳.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۱ش، **تفسیر القرآن الکریم**، قم، بیدار.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۹۸ق، **التوحید**، قم، جامعه مدرسین.

طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، لبنان–بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۲ش، **نهایه الحکمه**، (با تعلیقه غلامرضا فیاضی)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۵ق، **نهایه الحکمه**، قم، اسلامی.

طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار إحیاء التراث العربي.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۸ق، **العین**، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، بیروت، دار مکتبه الهلال.

فروغی، محمدعلی، ۱۳۹۸ش، **سیر حکمت در اروپا**، تهران، نیلوفر.

فلو، آنتونی، ۱۳۹۴، **خدا وجود دارد**، ترجمه اسماعیل شرفی، اول، مشهد، سپیده باوران.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ش، **آموزش فلسفه**، قم، مؤسسه پژوهشی امام (ره).

مصطفوی، نفسیه، ۱۳۹۶، **پدیدارشناسی زمان و فضای مثالی در حکمت متعالیه و فیزیک نسبیت**، فصل نامه شناخت، شماره ۷۶.

معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۶ش، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، التمهید.

معین، محمّد، ۱۳۸۶ش، **فرهنگ معین**، تهران، انتشارات زرّین.

وینر، شوربرت، ۱۳۷۲ش، **استفاده انسانی از انسانها: سایبرنتیک و جامعه**، ترجمه مهرداد ارجمند، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

هاوکینگ، استیون، ۱۳۷۵، **تاریخچه زمان**، ترجمه دادفرما، تهران، کیهان.

هاوکینگ، استیون، ۱۳۹۰ش، ملودینوف، لئونارد، **طرح بزرگ**، ترجمه حسین صداقت و امیر امیرآبادی، انتشارات فلسفه، نقش و نگار.

هیک، جان، ۱۳۹۰ش، **فلسفه دین**، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، الهدی.

مصطفوی، نفیسه، **پدیدارشناسی زمان و فضای مثالی در حکمت متعالیه و فیزیک نسبیت**، فصل نامه شناخت، ۱۳۹۵، شماره، ۷۶، ص۱۲.

بارو، جی، **جهان درون دنیاها**، بی تا، بی نا.

Kizza, J. M. (1998). **Ethical and Social Issues in Cyberspace**. Ethical and Social Issues in the Information Age, 141-166

Richard, **The Coherence of Theism**, Oxford, Oxford University Press, 1979 Swinburne.